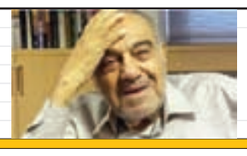

مرحوم استاد علی باقرزاده(بقا) شاعر خراسانی روز پنج شنبه در ۸۷ سالگی و در اثر ایست قلبی به دیار باقی شتافت. به گزارش ایسنا وی متولد ۱۱ تیر ۱۳۰۸ در مشهد بود و با استادان و بزرگان بسیاری از جمله دکتر یوسفی، دکتر خدیوجم، استاد احمد گلچین معانی و استاد محمدرضا حکیمی مانوس بود. مراسم تشییع پیکر شادروان باقرزاده صبح امروز(شنبه) برگزار و در مقبرة الشعرا در آرامگاه فردوسی آرام خواهد گرفت.

شاعر پیشکسوت خراسان، امروز در مقبرة‌الشعرای توس آرام می‌گیرد

آخرین آینه گردان شکوه شعر خراسان

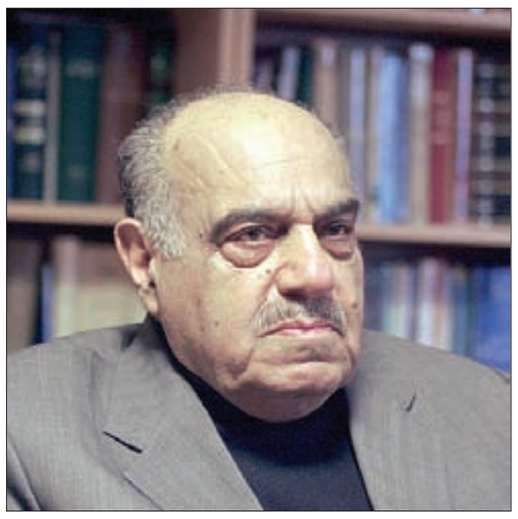

مرحوم استاد حاج علی باقرزاده ۱۱ تیرماه ۱۳۰۸ در مشهد متولد شد و پس از فوت پدر برای اداره خانواده ترک تحصیل کرد و در حجره پدر به کار تجارت چای پرداخت. در مواقع تعطیلی یا شب‌ها مدتی را صرف تعلیم زبان انگلیسی در کلاس‌های ایران و انگلیس کرد و برای آموختن زبان عربی به مهدیه حاجی عابدزاده می‌رفت. باقرزاده سال ۱۳۳۰ ازدواج کرد و حاصل آن دو دختر و سه پسر است. از جمله استادان وی که در بدو جوانی برای آموختن زبان انگلیسی و عربی از حضور آنان بهره‌مند می‌شد، می‌توان از حاج آقا عابدزاده، استاد محمدتقی ادیب نیشابوری، حاج شیخ علی اکبر نوغانی و دکتر رسا نام برد. مرحوم باقرزاده اوایل انقلاب از طرف استاندار وقت خراسان برای اداره اتاق بازرگانی و صنایع این استان انتخاب شد و سال‌های ۵۸ و ۵۹ عهده‌دار این مسئولیت بود. پس از مدتی به عضویت هیئت امنای دانشگاه درآمد و در این مدت به تأسیس هیئت خیریه خوابگاه سازان پرداخت. وی از مایملک خود زمینی هزار متری را برای ساخت خوابگاهی برای متأهلین اختصاص داد و آن را در قالب ۶۰ آپارتمان به اتمام رساند. ساخت دو مدرسه ابتدایی و راهنمایی در روستای «علاقه» و همچنین ساخت دبستان و دبیرستانی به نام همسرش در منطقه ۵ مشهد و وقف کتابخانه ۳۰۰۰ جلدی خود به آستان قدس رضوی در کارنامه ایشان ثبت شده است. حاج علی باقرزاده روزی ۲ تا ۳ ساعت مطالعه می‌کرد و با استادان و بزرگان زیادی از جمله دکتر یوسفی، دکتر خدیوجم، استاد احمد گلچین معانی و استاد محمدرضا حکیمی، امیری فیروزکوهی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، استاد جلال‌الدین همایی، مرحوم جمال‌زاده، دکتر رجایی، دکتر فیاض و شادروان محمود فرخ، مراوده و معاشرت داشت. از او بیش از ۲۰ مقاله در مجلات و انتشارات مختلف به چاپ رسیده است. اشعار باقرزاده در نشریاتی مثل یغما، وحید، مشکوة و مجله فرهنگ و آموزش و پرورش و برخی کتب درسی چاپ و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است. مرحوم باقرزاده همچنین کتاب‌هایی با عناوین «لطیفه‌ها»، «ترازیزدی»، «ده مقاله»، «چهل حدیث»، «نسیمی از دیار خراسان»، «یاد مادر» برترین آثار اندیشمندان درباره مادر، «زلال بقا»، «سفری به مسکو و سن‌پترزبورگ»، «سیر آفاق» و «بزم محبت» در مدح و مراثی و کرامات ائمه اطهار(ع) تألیف کرده است.

تنها بازمانده جمع پنج نفره دوستان مقام معظم رهبری در مشهد بود

مصطفی محدثی خراسانی- درگذشت استاد علی باقرزاده در حقیقت رقم خوردن آخرین صفحه شعر خراسان در قرن اخیر و در ادامه مجد و شکوه تاریخی‌اش بود. اگر ملک‌الشعرای بهار آخرین درخت تناور شعر شکوهمند خراسان باهیمنه تاریخی‌اش باشد، نسلی که پس از او همچنان توانستند آن هیمنه و شکوه شعر خراسان را آینه گردانی کنند عبارت‌اند از: محمد قهرمان، احمد کمال پور، مهدی اخوان ثالث، غلامرضا قدسی، ذبیح ا... صاحبکار، محمدرضا شفیعی کدکنی و علی باقرزاده «بقا».

ویژگی‌هایی چون: دانش و بینش عمیق، مشرب و منش معرفتی برخاسته از فرهنگ و ادب فارسی، تواضع و فروتنی، حضور فعال و مستمر و تأثیرگذار در انجمن‌های ادبی که عمدتا خود بنیان گذارش بودند، شاگرد پروری و انفاق تجربه و علم، ترجیح ندادن هیچ مقام و موقعیتی بر شعر و... و بسیاری فضیلت‌های دیگر، وجوه مشترک شخصیت و زندگی این هفت شاعر بزرگ سده اخیر خراسان است. دو تن از این جمع، یعنی مهدی اخوان ثالث و محمدرضا شفیعی کدکنی پس از بالیدن و به ثمر نشستن چند دهه پیش از خراسان کوچیدند و مقیم تهران شدند و همان مسیر را در سطحی وسیع‌تر پی گرفتند و به شهرتی ملی‌تر رسیدند که البته بیش از این‌ها را نیز سزاوار بودند اما پنج تن دیگر یعنی محمد قهرمان، احمد کمال پور، غلامرضا قدسی، ذبیح ا... صاحبکار و علی باقرزاده «بقا» در خراسان ماندند و در سرزمین مادری این سیر و سلوک را پی گرفتند، اما آن رفاقت و عهداخوت بین این هفت تن در تمامی فرازوفرودها، هجر و وصل‌ها و حضر و سفرها پایدار و استوار ماند. من وقتی از این منظر یعنی عهداخوت و وفازندگی و خاطرات شفاهی و مکتوب این هفت تن که به‌طور مستقیم افتخار شاگردی تمامی‌شان را داشته‌ام مرور می‌کنم می‌بینم که نام ادیب و فرزانه ارجمند دیگری در کنار این هفت تن هست که این جمع برخاسته از جوار بارگاه ملکوتی علی بن موسی (ع) را به عدد نورانی هشت می‌رساند و آن نام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا... خامنه‌ای است. اخوان و شفیعی چند دهه پیش به تهران آمدند و جمع شش نفره باقی‌مانده در مشهد، پرچمداران شعر اوج‌مند و ارجمند روزگار شدند و جهت‌دهنده مسیر فضیلت و روشنی و خرد در شعر و ادب خراسان.

مقام معظم رهبری، احترام خاصی نسبت به پنج تن دیگر مانده در مشهد داشتند که از دوستان قدیمی ایشان، از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب بودند: استاد احمد کمال پور متخلص به کمال که از قصیده‌سرایان برجسته خراسان بودند، استاد ذبیح ا... صاحبکار از غزل‌سرایان برجسته خراسان که تصحیح دیوان حزین لاهیجی را به توصیه مقام معظم رهبری به انجام رساندند، استاد غلامرضا قدسی از شاعران برجسته و انقلابی خراسان که در دوران رژیم پهلوی با مقام معظم رهبری در یک بند زندانی بوده‌اند، استاد محمد قهرمان غزل پرداز توانای روزگار که تصحیح غزلیات صائب توسط ایشان زبانزد است و نیز استاد علی باقرزاده متخلص به بقا که در قطعه‌سرایی ید طولایی داشتند و از سرآمدان روزگارند در سرودن قالب قطعه، استاد باقرزاده تنها بازمانده جمع پنج نفره دوستان مقام معظم رهبری در مشهد بودند که به دیار باقی شتافتند.

چند سال پیش که استاد ذبیح ا... صاحبکار پس از استاد غلامرضا قدسی و استاد احمد کمال پور به رحمت ایزدی پیوستند، و از آن جمع هنوز استاد قهرمان و باقرزاده در قید حیات بودند مقام معظم رهبری پیام تسلیت درگذشت استاد صاحبکار را خطاب به این دو بزرگوار فرستادند. وقتی شاعر ارجمند خراسانی جناب «محمد نیک» که از دوستان نزدیک این پیشکسوتان اند با تاثر فراوان خبر درگذشت استاد باقرزاده را به من دادند، از قول استاد باقرزاده این گونه نقل کردند: «چند سال پیش که استاد صاحبکار و قهرمان در قید حیات بودند، مقام معظم رهبری شعری سروده بودند که با این ابیات شروع می‌شد:

گذشت عمر و به دل یاد دوستان باقی‌ست
شکست ساغر و آن نشئه همچنان باقی‌ست
...به‌جز کمال زیاران انجمن ما را
همین بقا و سهی ماند و قهرمان باقی‌ست

چندی پیش که به مشهد تشریف آورده بودند و خدمت ایشان مشرف شدم، به آقا گفتم؛ اجازه می‌دهید شعر شما را به‌تناسب روز تغییر دهم؟ و این بیت را خدمتشان خواندم:

کمال رفت، سهی رفت و قهرمان هم رفت
همین بقا ز رفیقان آن زمان باقی‌ست

تمام رفقای آن زمان همه رفته‌اند و تنها من مانده‌ام و در این شرایط احساس غربت می‌کنم و این شعر مرحوم فرخ را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که می‌گفت:

کم کم اندر شهر خود احساس غربت می‌کنم
بس که یارانم سفر کردند و تنها مانده‌ام»

گنجینه‌ای از خاطرات گذشته انجمن‌های ادبی مشهد

علیرضا حیدری- پس از بهمن ۸۸ برای یک گفت‌وگوی مفصل برای سالنامه ۸۹ خدمت استاد باقرزاده رسیدم و نوروز ۹۵ هم قراری گذاشتم و دو ساعتی مهمان استاد بودم در منزلشان برای مشورت پایان‌نامه‌ام. آخرین دیدار جدی‌تر سه‌شنبه دو هفته پیش بود در سرای فردوسی و جلسه شعر قهرمان که قطعه‌ای خواندم رسا و فصیح. زنده‌یاد استاد علی باقرزاده فروتن بود و گشاده‌رو. گنجینه‌ای از خاطرات گذشته انجمن‌های ادبی این شهر بود که با حافظه قوی که داشت از گذشته ادبی می‌گفت و خاطراتی که هر کدام گوشه‌ای از تاریخ شعر معاصر و به‌ویژه شعر مشهد را باز گو می‌کرد. این ماه‌های اخیر بیشتر با استاد مراوده داشتم و او چه حرف‌های زیادی داشت برای شنیدن. استاد بقا یکی از حلقه‌های سلسله بزرگ شاعران معاصر خراسان بود که هر کدام در جای خود فخر مشهد و بلکه ایران‌اند و نامشان تداوم سنت ادبی خراسان بزرگ را به یاد می‌آورد. او در کنار ۴ شاعر نامدار مشهد اصحاب خمسه شعر خراسان را تشکیل داده بودند؛ استاد فرخ، استاد کمال، استاد صاحبکار، استاد قدسی، استاد قهرمان و استاد باقرزاده که او نیز به جمع دوستانش پیوست. حضور او در این سال‌ها به‌ویژه پس از فوت محمد قهرمان، جای خالی آن بزرگان را پر کرده بود. استاد باقرزاده در ماه‌های نخست امسال بیمار شد و تا مدتی در بستر بیماری سپری کرد اما خوشبختانه سلامت به وجود ایشان بازگشته بود و گمان نمی‌کردیم در این واپسین روزهای پاییز خبر کوچ او را بشنویم. استاد علی باقرزاده(بقا)، در جلسه عیادتی که به اتفاق شاعران و مسئولان داشتیم در چند ماه پیش در سخنان کوتاهی گفت: «بنده از سال‌های قبل از انقلاب با مقام معظم رهبری دوستی و ارتباط نزدیک دارم ایشان از احوال همه به‌خصوص نزدیکان و دوستان غافل نبودند و نیستند و ایشان آن‌قدر به ما لطف داشته‌اند که حتی برای یکی از دوستان که کم‌بضاعت بود قصد داشت خانه‌ای بخرد دولی وی با تشکر و عذرخواهی از ایشان قبول نکرد.» این شاعر و نویسنده کشور با بیان این که با شاعران و نام‌آوران بزرگی چون مرحوم جمال‌زاده، شفیعی کدکنی و غلامحسین یوسفی و اخوان ثالث ارتباط نزدیک و صمیمی داشته‌ام، همه این بزرگان را بی‌نظیر توصیف کرد که هر کدام برای خود نابغه‌ای محسوب می‌شوند.

باقرزاده در آن جلسه تعدادی از شعرهای خود از جمله «بخشدار هویزه» و سروده جدیدی با عنوان «خوب‌ترین» را که در مجدوثنای الهی سروده بود، قرائت کرد. علی باقرزاده با تخلص شعری «بقا» با بیش از هشتاد سال زندگی و به‌رغم این که اصالتی یزدی داشت در مشهد زیست و با شاعران خراسان انس گرفت. وی علاوه بر شاعری، در سفرنامه و خاطره‌نویسی هم دستی توانا داشت و همچنین از کارآفرینان بنام و خیران مدرسه‌ساز به شمار می‌رفت. بیشتر شعرهای علی باقرزاده در قالب قطعه سروده شده‌اند و برخی صاحب‌نظران با توجه به همین قطعات، وی را پس از «پروین اعتصامی» برجسته‌ترین قطعه‌سرای معاصر دانسته‌اند. شعرهای «حب وطن» و «بخشدار هویزه» را گفتند؛ ترک کن شهر خویشتن را زود» در حال و هوای دفاع مقدس از سروده‌های باقرزاده است. در شعر خراسان برخی شاعران با احیای قالب‌های شعر کلاسیک و به‌روزآوری این قطعه‌ها در ادبیات معاصر جایگاه ویژه‌ای یافتند. استاد کمال در قصیده، استاد باقرزاده در قطعه و استاد قهرمان و صاحبکار در غزل به شیوه هندی. همین سه سال پیش در سال ۹۲ مراسم نکوداشت استاد علی باقرزاده با حضور جمعی از استادان دانشگاه، شاعران و میهمانانی از تهران، یزد و اصفهان در فرهنگسرای فردوسی برگزار شد. در این مراسم، علاوه بر سخنرانی برخی صاحب‌نظران درباره شخصیت فرهنگی باقرزاده، کتاب «آیینه بقا؛ جشن‌نامه استاد علی باقرزاده (بقا)» رونمایی شد. از جمله ویژگی‌های مهم این مراسم پیامی بود که رهبر معظم انقلاب و دوست دیرین ایشان صادر فرمودند.

ایشان در این پیام مرقوم فرموده بودند: «نکوداشت ادیب و شاعر ارجمند جناب علی باقرزاده (بقا) ادای حقّ شعر و ادب و پاسداشت حرمت و کرامت انسان والایی است که همواره حرمت و کرامت شعر و شاعری را پاس داشته و زبان گویا و طبع روان را جز به راه نیکی و راستی به کار نگرفته است. این دوست دیرین و شفیق یکی از بازماندگان کم شمار مجموعه‌ای از شاعران چیره‌دستی است که در برهه‌ای از زمان، مشهد را کانون شعر سرآمد و ممتاز دوران خود ساخته و زبان شعر دوستان و شَعرشناسان را به تحسین و تکریم جایگاه ادبی خویش گشوده بود. قطعه‌های بقا همچون قطعه‌هایی از دیبای رنگین و خوش‌نگار در انبوه غزل و قصیده ممتاز آن دورانِ مشهد، جلوه‌ای ویژه و چشم و دل‌نواز داشت، با امیدِ این که همچنان پایدار و ماندگار باشد. از دوستانی که این نکوداشت را برپا کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم». به گفته دکتر یاحقی، استاد باقرزاده نه‌تنها شاعر که یک خیر مدرسه‌ساز، کارآفرین موفق و مدیر نمونه هم بود و این‌ها حکایت از نبوغ استاد داشت.

شاعری با دانش فراوان

دکتر عباس خیرآبادی- چهل سال پیش نخستین بار برای ضبط یک برنامه تلویزیونی استاد باقرزاده را ملاقات کردم. از آنجا که دانش ایشان را در سطحی بسیار بالا دیدم و شناخت کاملی هم از ایشان نداشتم دکتر خطابشان می‌کردم. چند ساعتی بعد نامه‌ای از ایشان دریافت کردم که با تواضع نوشته بودند من دکتر نیستم و همراه آن این بیت حافظ را نوشته بودند: «شرمم باد ز پشمینه آلوده خویش / گر بدین مایه هنر نام کرامات بریم» این مقدمه‌ای بود برای آغاز یک دوستی پایدار که سبب شد چندین برنامه رادیویی و تلویزیونی از ایشان برای صداوسیمای خراسان تهیه کنم. با شنیدن خبر کوچ استاد تمام خاطرات گذشته را در ذهنم مرور کردم که همه حاوی سروده‌های دلکش و آثار زیبای انسانی‌اش بود.

«بقا» آخرین بازماندهٔ این حلقه بود

محمدکاظم کاظمی سال‌هاست درگذشت هیچ کس این‌قدر برایم غافلگیر کننده نبوده است، نه از این روی که افتخار معاشرت نزدیک با ایشان داشته باشم، بلکه از این روی که همین امروز آخرین اصلاحات کتاب «بقای شعر» را انجام می‌دادم و یکی دو روز پیش برای زیرنویس عکس‌ها با ایشان صحبت کردم. هیچ باور نمی‌کردم کسی که چنین سرحال و با حضور ذهن اصلاحات کتاب را انجام می‌داد و شعرهای تازه به آن می‌افزود، چنین زود رفتنی باشد. باری، از خصایل و اوصاف نیکوی ادبی و اجتماعی شادروان باقرزاده، دوستان نزدیک ایشان خواهند نوشت، که آنان شایسته‌ترند برای این کار. من در این مقام فقط می‌توانم از کتاب «بقای شعر» بگویم که در سلسلهٔ کتاب‌های «مشاهیر ادب خراسان»، با همت حوزهٔ هنری و در انتشارات طنین قلم زیر چاپ است. این کتاب که به کوشش جناب حسین مسرت گردآمده و به دست دکتر حمیدرضا نویدی مهر و ویرایش شده است، شناخت نامهٔ مختصر و درعین حال جامعی دربارهٔ ایشان است، با مطالبی وزین و خواندنی از جمعی از فضلای روزگار، همچون دکتر شفیعی کدکنی، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر راشد محصل و مرحوم دکتر رکنی. در انتهای کتاب، تصویرهایی از مرحوم بقا با دیگر هم‌نسلانش گنجانده شده است. تا دیروز تنها شخص زنده در آن عکس‌ها هم او بود و دیگران همه از این جهان چشم پوشیده بودند، استاد کمال، دکتر صدیق، مهدی اخوان ثالث، حسین خدیوجم، استاد محمدقهرمان و اینک علی باقرزاده «بقا». او آخرین بازماندهٔ این حلقه بود و سایهٔ سر شعر خراسان.